



مجید پهلوان

www.majidpahlavan.com

سعید طوسی قاری قران و برگزیده و مورد توجه سیدعلی خامنه ای است. وی همچنین متهم به چندین فقره تعرض به شاگردان نوجوان خود است که شکایت های آنها طی مدت ها در هزار توی دستگاه قضایی و اطلاعاتی جمهوری اسلامی ایران بواقع گم و گور و عامدا نادیده گرفته میشود. همین امر مهلك تجاوز و تعرض عمال و بیرق داران دین و مبلغین خرافات و مسائل و قصه های من در آوردی ویژه جوامع ماضی و عقب مانده از چرخه تمدن سالهاست که در لابیرنت وزوایای برخی کلیساهای امریکای شمالی هم لانه کرده است. این بزهکاران و مبلغین خرافات و پاسداران اغلب جعلیات و مغالطات تاریخی اما که همواره در جهت همزیستی و حمایت قدرت سیاسی روز بوده و خود بخش جدا ناشدنی از جریان بهره کشی و سلطه بر مردم زحمتکش بوده اند. که سعید طوسی ها و جایگاه اجتماعی آنها موضوع این مطلب کوتاه است و همبستگی آنها با وضع موجود.

از آنجائیکه سعید طوسی های جهانی به مثابه شاید بخش جدا ناشدنی حکومتها محسوس میشوند. حتی در جوامع پیشرفته و صنعتی با اغماض و بخشندگی و در برخی موارد چشم پوشی دستگاه دادگستری و قضائیه روبرو

میشوند. ضدها کشیش کلیسای کاتولیک نه تنها در قاره امریکای مرکزی و جنوبی که در امریکا و کانادا به دفعات علیه دختران و پسران نوجوان دست به تعرض زدند و توانستند دهه ها به اعمال ضد بشری خود ادامه دهند ، چرا که مقامات رهبری کلیساها خود را به کوری و کری دلخواه زدند! که از قدیم هم گفته اند وای بر کسی که نخواهد ببیند و بشنود. داستان های Ralph Rowe کشیش کلیسای انگلیکان هم در همین مقوله جای دارد. طی 22 سال به 500 نوجوان پسر و دختر زیر 15 سال تعرض کرده و عاقبت در سال 1994 با فشار رهبران جوامع ملت نخستین در شمال استان انتاریو کانادا راهی دادگاه شد. که مقامات کلیسای مذکور دهه ها خود را به نا آگاهی عمدی زدند و علیرغم دریافت گزارشات دقیق از شکایات و بچه هایی که مورد تجاوز این کشیش قرار گرفته بودند ولی حمایت خود را از وی دریغ نداشتند. میدانید چرا؟ احتمالا آنها نیز بومیان را شهروند درجه دو تاسه یا هیچ محسوب میدارند!

در امریکای شمالی و بویژه در حوزه کلیسای کاتولیک (کشیش حق ازدواج و ارتباط با زنها را ندارد) ضدها مورد تعرض کشیش ها علیه بچه ها و نوجوانان گزارش شده است. فقط بین سالهای 1950 تا سال 2002 میلادی تعداد ده هزار و ششصد و شصت و هفت پرونده تجاوز کشیش ها گزارش شده است. که از این رقم نزدیک شش درصد موارد تجاوز بچه های زیر 7 سال بوده است! 81 درصد قربانیان پسر و 19 درصد دختر بوده اند. که 40 درصد تعرض ها در خانه کشیش ها بوقوع پیوسته است و 16 درصد داخل کلیسا! 800 کشیش از مقام خود خلع شده اند و 5 هزار پرونده در حال رسیدگی موجود است (فقط در امریکا). این آمار دایره حمایت از کودکان و نوجوانان است و موجود روی اینترنت ، که آمار Wikipedia از این هم وحشتناک تر است. در سال 1980 میلادی و در استان نیوفاندلند از کانادا ، 300 نفر قدم پیش گذاردند و پرده از ماجرای تجاوز علیه خود و توسط کشیش ها برداشتند. که در اوائل قرن بیستم و پایان قرن نوزدهم ، هزاران بچه را از خانواده های بومیان کانادا ربودند و در شبانه روزی های کلیساها مورد تعدی و تعرض قرار دادند. در همین حال حضرت پاپ در سال 2014 به صحنه آمدند و فرمودند که فقط 2 درصد کشیش های وابسته به کلیسای کاتولیک بزهکار و متجاوز هستند! در همین حال بیشاب Raymond Lahey اما که تصویر 964 بچه از قربانیان خود را در حالتهای وحشتناک با خود داشته که دستگیر میشود!

دین و مذهب سازمان یافته نهادهای تاریخی هستند که با طبقاتی شدن جوامع بشری بوجود آمده و اکیدا دست ساز و چون سایر اجزا اجتماع همراه تطور اقتصادی-اجتماعی جوامع ، خود دستخوش تغییرات و ساختاری پیچیده تر و نهادینه تری میشوند. از چهارچوب های نخستین به سازمان یافتگی عالی تر رسیده اند ولی بنیان تمامی آنها روی ادعای مضحک اتصال پنهانی توسط ریسمانی ناپیدا با خدا باقی میماند. همگی خارج از چرخه کار و زحمت و تولید هستند و. جعل و تولید خرافات کار آنها. برزمینه آه محرومان و نیازهای قابل تحلیل و برای پاسخ به پرسش های همیشگی انسانها بنا شده اند و یدک کش معنویت یا Spirituality عوام هستند و درکل درجنب بارگاه قدرت زمانه به دسیسه چینی و همکاری برای وضع موجود مشغول. دوهفته پیش مدیر اجرایی کلیسای انگلیکان Michael Thompson خبر از انتشار پوزش خواهی کلیسای خود نسبت به تعرضات کشیش مورد حمایت خود دارد. تجاوزات 500 گانه که درسال 1994 ماست مالی شد. روی دیگر سکه حذف و زدن ادیان و نهادهای مذهبی است که درتاریخ معاصر بدست امثال استالین ها صورت گرفته و خوانش ابلهانه و زورمدارانه ازتاریخ تطور جوامع انسانی. که تا محرومیت های جسمانی و روانی و این همه مصیبت ها دامن گیر محرومان جهان است ، ادیان سازمان یافته تنها به عنوان آه مظلومان زمینی ترجمه میشوند. این نهادها باهر تغییر ساختاری اجتماع ادامه حیات میدهند و باید چون هر نهاد مدنی تحت نظارت و حسابرسی قرار گیرند که تا جوامعه طبقاتی برقرارند استثمار معنوی بخش جدانشدنی آن خواهد بود.

سرمایه داری نام مناسباتی است به همین نام که شیوه تولید مبنی بر تولید کالا دارد. حوزه عمومی (دولت) از خصوصی (مدنی) جداست و نهادهای انبوه مدنی تحت کنترل و نظارت و حسابرسی و مسئولیت پذیری درمقابل قانون. همین امر چون به نهاد دین میرسد نظارت و توان حوزه عمومی رنگ میبازد ، چرا که بود و نبود مناسبات سرمایه داری. یکی هم بسته به همکاری و حمایت نهاد دین از این نظام بهره کش و بردگی نوین است. جدایی دین و دولت عملی شده و دین به حوزه خصوصی و مدنی رفته ولی کاملا خود مختار و پاسخ نگوبه حوزه عمومی و نمایندگان مردم! مالیات مردم را میگیرند و دولتی در دولت قانونی ایجاد کرده اند. که نهاد دین در سراسر کره ارض در تحقیق و استمرار سلطه سیاسی نقش درجه یک را بازی میکند و نهاد دین اولین و آخرین نگهبان وضع موجود و استمرار نابرابری ها و همدست شوالیه های قلابی نظم نوین

جهانی است. که همکاران و برادران سعید طوسی هم در جوامع پیشرفته حضور دارند ولی قوام اجتماع و حضور آزادیهای فردی-شهروندی بکار آنها رسیدگی کرده و نمیتوانند دیرگاه به بزهکاری خود ادامه دهند ، چراکه اصحاب سلطه سیاسی و دولت ها همواره موقتی ولذا نمیتوانند به حمایت رسمی از این جنایتکاران برآیند. اما که یک مطلب ، سرمایه داری آنها در دوران بحران ساختاری نمیتوانند بدون حمایت نهاد دین موفق باشد.

وقتی صحبت از نظارت نهادهای کنترل مدنی و دولتی بر کارکرد مراکز مذهبی میشود ، زاویه نگاه من جوامع پیشرفته دموکراتیک با دولتهای انتخابی و موقتی بدون امام و رهبر و دیکتاتور مفت خور است. و گرنه وقتی کار به ساختار حکومت دینی میرسد ، پنداری دروازه های جهنم دیگری بروی مردم و دست آوردهای مترقی اجتماع گشوده میشود. که در قرن 21 سعید طوسی های متجاوز و منحرف ، دولت تشکیل میدهند و از صدر تا ذیل خود را دست پرورده سیستمی ماورای زندگی انسانها میدانند که هم میتوانند به فرزندان مردم تجاوز کنند و هم بزرگترهای آنها با عمامه های قطورتر جان و مال مردمان را بستانند. کهریزک ها بسازند و به مرد وزن زندانی تجاوز کنند. که سازه حکومت دینی پاسخ گویی جز در آسمانها ندارد و آن هم آسمانی و صاحبی دست ساز و تقلبی! در این مرحله رژیم تلاش میکند اذهان را از تجاوزات به حقوق مردم منحرف سازد و لذا بارسیدن فصل انتخابات میرود تا مجددا جنبش های تقلبی و قهرمانهای قلبی چون پاسداران جنایتکار و شرمنده امثال احمدی نژاد و رئیسی و همدستان اصلاح طلب آنها چون روحانی و نوری زاد و موسوی و شیخ های ارتجاعی بسازد. که آنها غافل از عمق نارضایتی مردم هستند و ترفندهای رژیم بربریت راه به جایی نمیبرد. ما اما که مسئولیت داریم افشا سعید طوسی ها را و جنایات جن گیران و اصحاب ترور و اعدام را به امکان زندگی نو و سرنگونی نظام اسلامی گره زنیم. که یک جنبش مترقی و برای گسست از وضع موجود و برقراری آزادی و دموکراسی و عدالت اجتماعی هدف آن و وسیله اش هم اعتصابی عمومی و قیامی ناشی از جنبش اجتماعی بارهبری مشخص و انقلابی و مردمی باشد. که هدف ما آزادی و تازه وارد عرصه ای میشویم با تضادهای نو که ابتدای آن تخته بند کردن دین در حیات خصوصی مردم است.